



رؤیایی که نویسنده مفاتیح را از عذاب برزخ نجات داد

قرآن کریم در برخی آیات خود به رؤیاهای صادقانه اشاره می‌کند، همچنین در زندگی خود، افرادی را می‌شناسیم که در رؤیا از اموری مطلع شدند که دست انسان به صورت عادی به آن نمی‌رسد، مانند خوابی که به داد مرحوم شیخ عباس قمی رسید!

قرآن کریم در برخی آیات خود به رؤیاهای صادقانه اشاره می‌کند، همچنین در زندگی خود، افرادی را می‌شناسیم که در رؤیا از اموری مطلع شدند که دست انسان به صورت عادی به آن نمی‌رسد، مانند خوابی که به داد مرحوم شیخ عباس قمی رسید!

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، ماه رمضان فرصتی دوباره است تا انسان به مصحف آسمانی نگاهی دوباره داشته باشد تا علاوه بر قرائت روزانه قرآن کریم، با دقت بیشتری به بیان و اهداف آیات توجه کند. پس چه نیکوست در ماه مهمانی خدا، هر روز دقایقی را با قرآن و تفسیر حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی از قرآن سپری کنیم.

* خواب و رویا

«#؛ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

[یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت: ای پدر من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم؛ دیدم [آنها] برای من سجده می‌کنند.

- پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «#؛الرؤيا ثلاثة: بشرى من الله، تحزين من الشيطان والذى يحدث به الانسان نفسه فيراه في منامه؛ خواب بر سه قسم است: یا بشارتی از سوی خداوند یا غم و اندوهی از طرف شیطان و یا مشکلات روزمره انسان است که در خواب آن را می‌بیند.

برخی از دانشمندان و روانشناسان خواب دیدن را بر اثر ناکامی‌ها و شکست‌ها دانسته و به ضرب‌المثلی قدیمی استشهاد کردند که «#؛شتر در خواب ببند پنبه دانه»، برخی دیگر خواب را تلقین ترس گرفته‌اند بر اساس ضرب‌المثلی که می‌گوید: «#؛دور از شتر بخواب تا خواب آشفته نبینی» و بعضی دیگر خواب را جلوه غرائز واپس زده دانسته‌اند، اما علیرغم تفاوت‌هایی که در خواب‌ها و رؤیاها وجود دارد، کسی اصل خواب دیدن را انکار نکرده است و البته باید به این نکته توجه داشت که همه خواب‌ها با یک تحلیل قابل بررسی نیستند.

- مرحوم علامه طباطبایی(رض) می‌گوید: سه عالم وجود دارد، عالم طبیعت، عالم مثال، عالم عقل. روح انسان به خاطر تجردی که دارد، در خواب با آن دو عالم ارتباط پیدا می‌کند و به میزان استعداد و امکان، حقایقی را درک می‌کند. اگر روح کامل باشد، در فضای صاف حقایق را درک می‌کند و اگر در کمال به آخرین درجه نرسیده باشد، حقایق را در قالب‌های دیگر می‌یابد. همان‌طور که در بیداری شجاعت را در شیر و حيله را در روباه و بلندی را در کوه می‌بینیم، در خواب، علم را در قالب نور، ازدواج را در قالب لباس و جهل و نادانی را به صورت تاریکی مشاهده می‌کنیم.

بحث ایشان را با مثالی تبیین می‌کنیم. کسانی که خواب می‌بینند سه دسته‌اند: دسته اول کسانی که روح کامل و مجردی دارند و بعد از خواب رفتن حواس با عالم عقل مرتبط شده و حقایقی را صاف و روشن از دنیای دیگر دریافت می‌کنند، این‌گونه خواب‌ها که دریافت مستقیم و صاف است، نیازی به تعبیر ندارد.

دسته دوم کسانی هستند که دارای روح متوسط هستند و در عالم رؤیا حقایق را ناصاف و همراه با برفک و تشبیه و تخیل دریافت می‌کنند، دسته سوم، کسانی اند که روح آنان به قدری متلاطم و ناموزون است که خواب آنها مفهومی ندارد، این نوع رؤیاها که قابل تعبیر نیستند، در قرآن به «#؛أَصْغَاتُ أَحْلَامٍ» تعبیر شده است.

قرآن در سوره‌های مختلف از رؤیاهایی نام برده که به وقوع پیوسته از جمله:

الف) رؤیای یوسف درباره سجده یازده ستاره و ماه و خورشید بر او که با رسیدن او به قدرت و تواضع برادران و پدر و مادر در برابر او تعبیر گردید.

ب) رؤیای دو یار زندانی یوسف که بعداً یکی از آنها آزاد و دیگری اعدام شد.

ج) رؤیای پادشاه مصر درباره گاوهای لاغر و چاق که تعبیر به قحطی و خشکسالی بعد از فراخ شد.

د) رؤیای پیامبر اسلام(ص) درباره عدد اندک مشرکان در جنگ بدر که تعبیر به شکست مشرکان شد.

ه) رؤیای پیغمبر اکرم(ص) درباره ورود مسلمانان با سر تراشیده به مسجدالحرام که با فتح مکه و زیارت خانه خدا تعبیر شد.

و) رؤیای مادر حضرت موسی(ع) که نوزادش را در صندوق گذاشته و به آب بیاندازد: «إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ، أَنْ اقْذِرِي فِيهِ فِي التَّابُوتِ» که روایات بر این دلالت دارند که مراد از وحی در اینجا همان رؤیاست.

ز) رؤیای حضرت ابراهیم(ع) در مورد ذبح فرزندش حضرت اسماعیل(ع)

در زندگی خود نیز، افرادی را می‌شناسیم که در رؤیا از اموری مطلع شدند که دست انسان به صورت عادی به آن نمی‌رسد، حاج شیخ عباس قمی صاحب «مفاتیح الجنان» به خواب فرزندش آمد و گفت: کتابی نزد من امانت بوده آن را به صاحبش برگردان تا من در برزخ راحت باشم، وقتی بیدار شد، به سراغ کتاب رفت، با نشانه‌هایی که پدر گفته بود، تطبیق داشت؛ آن را برداشت، وقتی می‌خواست از خانه بیرون برود، کتاب از دستش افتاد و کمی ضربه دید، او کتاب را به صاحبش برگرداند و چیزی نگفت. دوباره پدرش به خواب او آمد و گفت: چرا به او نگفتی کتاب تو ضربه دیده است تا اگر خواست خسارت بگیرد و یا رضایت دهد؟